

Legitimacy of Relation between Approximation of Denominations and Religious Truths According to the Qur'an

Ahmad Muttaqizadih*

Ni'mat Allah Safari Furushani**

(Received on: 2017-05-07; Accepted on: 2018-12-21)

Abstract

For over a century now, the idea of approximation has been propounded by reformers of Islamic denominations in scholarly, cultural, social, and political milieus. This paper aims to account for legitimacy of the relation of the idea of approximation of denominations with religious facts and realities. The idea of approximation can serve as a legitimate and appropriate path for followers of Islamic denominations to knowledge of religious facts and realities. Thus, we deploy a library-documentary method with a descriptive-analytic approach in order to interpret and analyze Quranic verses that seem to be concerned with the issue, and then verses that imply the permissibility of approximation in general and by way of priority. The investigation requires an accurate understanding of the function of approximation of denominations, which might serve as a right ground for inquiring into, and discovering, religious facts and realities among followers of the denominations. Lack of such understanding might lead followers of Islamic denominations to extremes of excess and negligence concerning religious matters—which are at odds with the true mission of the religion. Thus, it has been emphasized that the idea of approximation is not an end in itself, although it is a rational necessity as a preparation and as a right bedrock for the discovery of religious truths and realities and the discourse of peaceful coexistence of Muslims in accordance with religious brotherhood as opposed to the discourse of division, enmity, and excommunication.

Keywords: approximation of denominations, the Qur'an, religious brotherhood, religious truths, peaceful coexistence.

* Assistant Professor, Department of Islamic Doctrines, Payam-e Noor University, Hamadan, Iran (Corresponding Author), ahmadmotaghi@yahoo.com.

** Professor, Department of Ahl al-Bayt's History, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, safari@miu.ac.ir.

مشروعیت رابطه تقریب مذاهب با حقایق دینی با استناد به قرآن

احمد متقی‌زاده*

نعمت‌الله صفری فروشانی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۳۰]

چکیده

اندیشه تقریب بین مصلحان مذاهب اسلامی بیش از یک قرن است در محافل علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی به شکل یک نیاز ضروری در جهان اسلام مطرح است. هدف از این نوشتار تبیین مشروعیت رابطه اندیشه تقریب مذاهب با واقعیت و حقایق دینی است. اندیشه تقریب با استناد به آیات قرآن کریم می‌تواند برای رسیدن به واقعیات و حقایق دینی برای پیروان مذاهب اسلامی یک طریق مشروع و مناسب باشد؛ از این رو با بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی - تحلیلی، ابتدا آیاتی که به‌طور خاص ظهور در مسئله دارند تفسیر و تحلیل محتوا شده‌اند و در مرحله بعد آیاتی که به نحو عام و به طریق اولویت دلالت بر جواز اندیشه تقریب دارند. ضرورت این کاوش درک صحیح از کارکرد اندیشه تقریب مذاهب است که می‌تواند زمینه مناسبی برای تحقیق و کشف واقعیت و حقایق دینی در بین پیروان مذاهب شود و نبود آن ممکن است پیروان مذاهب اسلامی را به افراط یا تفریط در مسائل دینی بکشاند؛ رفتاری که با رسالت واقعی و حقیقت دین منافات دارد. به این سبب تأکید شده که اندیشه تقریب فی‌نفسه هدف ذاتی نیست؛ اما وجودش، به‌عنوان مقدمه، ضرورت عقلی دارد و بستری مناسب برای کشف حقایق و واقعیات‌های دین و گفتمان همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان بر اساس اخوت دینی در مقابل گفتمان تفرقه، عداوت و تکفیر است.

کلیدواژه‌ها: تقریب مذاهب، قرآن، اخوت دینی، حقایق دینی، همزیستی مسالمت‌آمیز.

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، همدان، ایران (نویسنده مسئول). ahmadmotaghi@yahoo.com

** استاد گروه تاریخ اهل بیت، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. i-n-safari@miu.ac.ir



۱. مقدمه

قرآن کریم مهم‌ترین محور و میزان مشترک بین مسلمانان است که می‌توانند در پرتو نور آن از سقوط ضلالت و گمراهی نجات یابند و زمینه شناخت واقعیات حقایق دین را برای خود و دیگران فراهم آورند؛ چراکه قرآن صفا و صمیمیت بین مسلمانان را مفید و تفرقه و عداوت بین آنان را مهلک می‌داند. خداوند خبر می‌دهد که مردم همه امت واحده بودند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ» (بقره: ۲۱۳) وقتی اختلاف کردند، خداوند انبیا را فرستاد «لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره: ۲۱۳). پیامبران آمدند و کتاب قانون آوردند تا طبق آن با هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند. قرآن همزیستی مسالمت‌آمیز را به همه جوامع انسانی توصیه می‌کند؛ هر ملت یا مذهبی در هر حال باید با هم زندگی کنند.

همزیستی مسالمت‌آمیز بین جوامع اسلامی بر محور اصول مشترک، با وجود تنوعات فکری و نظرات متفاوت و اختلافات آیینی، از اولویت‌ها و توصیه‌های مکتب اسلام است. اندیشه تقرب مذاهب در هر عصر می‌تواند به کاهش اختلافات بین پیروان مذاهب اسلامی کمک کند. تاکنون نیز با ارائه راهکارها و برنامه‌هایی راهبردی برای حفظ امت واحد اسلامی حرکت‌هایی شده است؛ اما اینکه تا چه اندازه موفق بوده، مسئله دیگری است. اگرچه حل همه اختلافات کلامی و فقهی امکان وقوعی ندارد و مدنظر مصلحان نیز نیست، کاهش اختلافات و کشف واقعیت‌ها و حقایق دینی از طریق عقل و نقل و تأکید بر مشترکات و همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی بر اساس اخوت دینی، پرهیز از تفرقه و تنازعات بی‌حاصل فکری از اهداف مهم آنان بوده است.

تاکنون کتاب‌ها و مقالات بسیاری در باب تقرب مذاهب به رشته تحریر درآمده است؛ از جمله *قصه التقرب*، سید هادی خسروشاهی؛ *رؤد التقرب*، *طلایه‌داران تقرب* و *منادیان وحدت*، مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی؛ *معالم المدرستین*، علامه عسکری؛ *الخطط السياسية لتوحيد الأمة الإسلامية*، احمد حسین یعقوب؛ *الصياغة المنطقية للفكر السياسي الإسلامي*، حسن عباس حسن؛ *المراجعات*، علامه عبدالحسین

شرف‌الدین؛ نشأة الفكر الفلسفی فی الإسلام، علی سامی نشار؛ نظریة الامامة لدى الشیعة الإثناعشریة، محمود صبوحی؛ الصلة بین التصوف و التشیع، مصطفی شیبی؛ الاختیار الصعب فی المذهب و المعتقد، ادیس الحسینی مغربی؛ مقالاتی که در مجله رساله الاسلام از سوی جماعة التقریب بین المذاهب الاسلامیة (دار التقریب) منتشر شده؛ مقالاتی که در مجله رساله الاسلام و در کتاب قصة التقریب محمّد المدنی جمع‌آوری شده؛ «الوحدة الاسلامیة أو التقریب بین المذاهب السبعة» عبدالکریم بی‌آزار شیرازی؛ مقالاتی که در اجلاس‌های سالانه وحدت اسلامی و همایش‌های مجمع تقریب و سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شده؛ «عملیات الخطأ والانحراف والتصحیح والالتقاء فی الفكر السیاسی الاسلامی»، کلیم صدیقی؛ «خطوات من اجل التقریب الحقیقی»، صائب عبدالحمید. با این حال تاکنون اثری نوشته نشده است که مشروعیت اندیشه تقریب مذاهب از دیدگاه قرآن و رابطه آن با حقایق دینی و اهمیت آن را بررسی کرده باشد.

تقریب مصدر باب تفعیل به معنای نزدیک کردن به یکدیگر (دهخدا، ۱۳۷۷، مداخل تقریب)، در مقابل دوری جستن از یکدیگر است. در اصلاح نیز تقریب مذاهب اسلامی یعنی نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی به یکدیگر بر اساس آیه «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳) و مشترکات کلامی، فقهی، اخلاقی جهت دستیابی به اخوت دینی و حفظ امت واحده اسلامی با شناخت و آگاهی. به عبارتی دیگر، تقریب مذاهب اسلامی کوششی جدی است برای تحکیم روابط میان پیروان مذاهب اسلامی مثل حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی (الشکعة، ۱۹۸۵: ۲۵)، شیعه اثناعشری، شیعه زیدیه (جعفریان، ۱۳۹۱: ۴۶۵) و اباضیه (عرب، ۱۳۷۷: ۱۰) برای ارتقای سطح آگاهی و تعمیق و تفاهم بین پیروان آنها و تقویت احترام متقابل جهت کشف واقعیت‌های دینی.

منظور از حقایق دینی آن دسته از گزاره‌های دینی است که صادق و مطابق واقع باشند و خداوند صراط مستقیم را مبتنی بر عمل به آنها کرده است و اگر در مسائل اخلاقی، فقهی و کلامی مسلمان‌ها تجلی پیدا کند نعمتی معنوی است. راهیان این راه در هر جامعه نه تنها مزاحم یکدیگر نیستند، بلکه چنانکه خداوند فرمود: «و حسن اولئک رفیقا» (نساء: ۶۹) رفیق خوب همدیگرند و در عین حالی که در کار خیر از یکدیگر

سبقت می‌جویند، دعاگوی یکدیگرند. حال اگر کسی به حقایق دینی و آیات الهی علم داشته باشد، اما آنها را انکار کند، رفتار باطلی انجام داده و خود را معذب کرده است چراکه خداوند فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (آل عمران: ۴)؛ محققاً برای کسانی که به آیات الهی کفر ورزیدند، عذابی شدید وجود دارد». اگر کسی با علم به حق به آن کفر بورزد و آن را انکار کند، خود را به دام باطل انداخته است و این باطل برای او عذاب است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۵/۱۳)؛ پس کسانی که حقایقی از دین را می‌دانند باید خود را ملزم به آنها کنند.

۲. رابطه بین تقرب مذاهب با حقایق دینی

تقرب مذاهب اسلامی یک رفتار ارزشی است که ده‌ها مسئله و نکته دقیق درباره آن وجود دارد که هر یک بحثی مستقل را می‌طلبد؛ از جمله رابطه تقرب مذاهب اسلامی با واقعیت‌ها و حقایق دینی. برخی از مسلمانان با اندیشه تقرب مذاهب مخالفند و با تعصب و ناآگاهی از کارکرد تقرب مطالبی را علیه آن نشر می‌دهند، حتی برخی از آنان تقرب در شکل کنونی را بدعت بزرگ می‌نامند: «فكانت دعوة التقرب هي البدعة الكبرى التي أرادت أن تعطى الكفر والضلال والإلحاد» (القفاری، ۱۴۱۲: ۲۷۸/۲)؛ برخی آن را تلاش عالمان شیعه برای شیعه کردن اهل سنت می‌دانند (النمر، ۱۹۸۸: ۴۵) و برخی نیز آن را از افکار علمای سنی می‌دانند که فقط برای جلوگیری از تبلیغات مذهب شیعه به وجود آمده است (رستگار جویباری، ۱۴۲۴: ۱۹۲).

این موضع‌گیری‌ها در حالی است که اندیشه تقرب مذاهب اسلامی نه بدعت است و نه توطئه علمای مذاهب، بلکه یک فرایند اعتبارشده بنای مصلحان مذاهب اسلامی است که دارای شرایط، اجزا، قواعد روشنند و مانند سایر فرایندها، آسیب و ترمیم‌پذیر است که هر کس با قواعد آن آشنا نباشد آن را به انحراف می‌کشد. عدم درک صحیح از کارکردهای هر اندیشه مصلحانه موجب کژفهمی آن می‌شود؛ چنانکه عدم درک صحیح از واقعیت‌ها و حقایق دینی نیز زمینه انحراف در فهم دین و افراط یا تفریط را فراهم می‌کند.

تقریب مذاهب اسلامی از اندیشه‌هایی است که می‌تواند زمینه مناسب برای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان بر اساس صبر و مدارا بین جوامع اسلامی شود و نیز عداوت و خشونت را بین مسلمانان کاهش دهد، در نتیجه سبب تقویت امت واحده اسلامی و وحدتی ماندگار بر پایه باورهای مذاهب اسلامی استوار باشد. با این مبنا، تقریب بین اصول و ارکان مذاهب اسلامی تقریب صوری و نمادین (آقانوری، ۱۳۸۷: ۱۸) نیست.

تقریب مذاهب اسلامی به سبب تمرکز بر حوزه نخبگان و متولیان علمی مذاهب اسلامی، بستری جهت حرکت به سمت کشف حقایق دین و واقعیات است؛ از این رو یک ارزش مقدمی است که وجودش خیر فراوانی دارد. بسترسازی معرفتی با تأکید بر مسائل مشترک، تحقیق مجدد در مسائل اختلافی را تسهیل می‌کند، مثلاً باید مشخص شود که خلافت با امامت تفاوت دارد. تمیز «فرق بین مسئله خلافت و امامت یکی از پایه‌های محکم تقریب است» (واعظزاده، ۱۳۶۷: ۲۱۸) و بسیاری از مفاهیم کلیدی دیگر از لوازم مباحث تقریبی به شمار می‌روند.

عقلای مذاهب اسلامی با رویکرد تقریبی زمینه همکاری، همدلی و به‌تدریج همفکری پیروان مذاهب را با یکدیگر فراهم می‌آورند. اگرچه نظر علمای مذاهب در برخی مصادیق دارای اختلاف و مراتب شدت و ضعف است، کلیت این حرکت ارزشی در تجربه دینی دارای ثمرات علمی و عملی در میان مذاهب بوده است. البته برخی اختلاف‌نظرها به مراتب و مقدمات شناخت بستگی دارد، مثلاً شناخت یک بُعد از واقعیت، به همان نحو که در عالم خارج است، شناخت است؛ اما شناخت همه ابعاد آن واقعیت نیست. اگر شخصی بخواهد تمام ابعاد لازم واقعیت و حقایق دینی را بشناسد، باید به همان‌گونه که اعتبارشده یا در عالم خارج است، همه ابعاد آن را مطالعه کند. حقایق دینی و واقعیت‌های دینی یافتنی و شنیدنی هستند، نه ساخته ذهن؛ سعدی آن را چنین تعریف کرده است:

حقایق سرایی است آراسته	هوا و هوس گرد برخاسته
نینی که جایی که برخاست گرد	نینند نظر گرچه بیناست مرد

(سعدی، ۱۳۸۹: باب سوم)

اگر سعدی به جای کلمه سرای از کلمه وجود استفاده می‌کرد، تعریف جامع‌تری از حقیقت ارائه کرده بود.

راه کشف حقایق و درک واقعیات مجهول، استدلال و برهان است. استدلال تجربی، نقلی یا عقلی است. عقل، به معنای قوه شناخت، آمادگی قبول علم را دارد و از علم فایده می‌برد. «عقل مطبوع»، یعنی عقل بعد از درک خوبی و بدی، به یکی روی می‌آورد و از دیگری منزجر می‌شود؛ راغب اصفهانی آن را به معنای «امساک و استمساک» و باز ایستادن می‌داند (راغب، ۱۳۶۳: ۵۷۸).

اندیشه تقرب بین مذاهب اسلامی به صورت یک رفتار از نظر حصر عقلی، از پنج وجه خارج نیست: ۱. خیر محض است؛ ۲. خیر کثیر است؛ ۳. شر محض است؛ ۴. شر کثیر است؛ ۵. خیر و شر آن مساوی است. بدیهی است که اندیشه تقرب بین مذاهب نمی‌تواند سه گونه اخیر و گونه اول باشد؛ بنابراین گزینه دوم تعیین می‌شود، یعنی رفتاری که دارای خیر کثیر و شر قلیل است. تجربه تاریخی ثابت کرده که وقتی رفتار مسالمت‌آمیز و تقریبی در میان متولیان مذاهب وجود داشته، رفتار ظلمانه بین آنها کاهش و رفتار عادلانه افزایش یافته است؛ از این رو عدم التزام به همزیستی مسالمت‌آمیز و تقرب بین مذاهب نوعی ترک خیر کثیر است و ترک رفتاری که دارای خیر کثیر و شر قلیل باشد، شر کثیر و خلاف حکمت است.

با توجه به حکم عقل عملی و تأکید قرآن کریم بر کلیت اتحاد و وحدت مسلمانان در مقام نظر، معیار رعایت حدود تقرب مذاهب در مقام عمل «عقل و عدل» است؛ چنانکه امام علی (ع) عاقل را چنین توصیف کرده است: «هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۵)؛ عاقل کسی است که هر چیز را در جای خود نهد» و در تعریف عدل فرموده است: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷)؛ عدالت به این معنا است که هر چیز در جای خودش گذاشته شود». اندیشه تقرب مذاهب اسلامی از رفتارهای دقیق و حساسی است که اگر حدود آن رعایت نشود و با معیار عدل و عقل همواره ارزیابی نشود، به افراط و تفریط می‌انجامد.

بر این اساس، تقریب مذاهب اسلامی به معنای تعامل علمی و معرفتی نخبگان مذاهب اسلامی و تحمل نظر دیگران بر مبنای صبر و مدارا است. تقریب هیچ‌گاه به معنای پذیرش تمام قول و رفتار طرف مقابل نیست، بلکه فقط قول و رفتارهایی که منطبق با واقع و حقیقت دین باشد، پذیرفتنی و انکارناپذیر است. از منظر سیاسی و فرهنگی، تقریب مذاهب اسلامی نوعی سرمایه سیاسی و فرهنگی برای جهان اسلام است که اگر استمرار نیابد و با معیار عقل و عدل مراقبت نشود، ممکن است مذاهب اسلامی به آفت جمود و تحجر کشیده شوند؛ اما اگر مرز و کارکرد آن صحیح فهمیده و به آن عمل شود، پیروان مذاهب اسلامی بهتر می‌توانند همدیگر را تحمل کنند و با تحقیق و پژوهش به واقعیات و حقایق دین نزدیک شوند.

فتاوی‌ای پیشوایان مذاهب اسلامی، به جهت روش استنباطی که در برخی از احکام دینی دارند، متفاوت است و امکان دارد در برخی مسائل دینی مطابق با واقع و اعتبار شارع باشد یا نباشد؛ اما هیچ‌کدام قائل نیستند که واقعیات و حقایق دینی در عالم خارج وجود ندارد و راهی هم به کشف آنها نیست، بلکه تمام علمای اسلامی تلاش دارند که به واقعیات‌های دین علم بیابند و حقایق آن را کشف کنند. در عین حال، این ظرفیت در پیروان همه مذاهب اسلامی وجود دارد که از رفتار کسی که به ضروریات دین، مانند قرآن و رسول خدا، توهین کند برائت جویند، مانند رفتار توهین‌آمیز سلمان رشدی به رسول اکرم (ص).

اگر در عرصه تقریب مذاهب تسامح و تحمل نظر مخالف، رفتاری ارادی و فعلی نیکو به شمار می‌رود، در عرصه علم به واقعیات خارجی و کشف حقایق دینی تسامح ممکن نیست؛ زیرا بعد از اینکه علم حاصل شد، تصدیق آن وجدانی است، نه ارادی. آنچه مهم است تلاش برای درک صحیح آنها است. کسانی که واقعیات و حقایق دینی را درک کرده‌اند، فقط می‌توانند با حکمت، موعظه و جدل احسن، طرف مقابل را آگاه کنند؛ چنانکه اگر کسی دغدغه شناخت واقعیات و حقایق دینی را داشته باشد و مقدمات آن را فراهم کند، دیر یا زود با کوشش به آن می‌رسد.

از مجموع گزاره‌های دینی و مصلحان این اندیشه نیز استنباط می‌شود که تقرب مذاهب اسلامی هدف نهایی و غایت نیست، بلکه بستری است که می‌تواند برخی تصورات و افکار پیروان مذاهب اسلامی را با تحقیق و پژوهش به هم نزدیک و بعضی از عقاید را تعدیل کند و با تأکید بر موارد مشترک جلو طرح مسائل تفرقه‌انگیز را بگیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۷۹/۸).

۳. مشروعیت اندیشه تقرب مذاهب از نگاه قرآن

قرآن کریم مهم‌ترین منبع و میزان مشترک مسلمانان جهان و مشروعیت‌بخش اندیشه‌ها و افعالی است که منافات با توحید و عدالت نداشته باشند؛ چراکه تنها کتابی است که خبرهایش متصف به صدق است، نه کذب و انشاهای آن مستحسن است، نه مستهجن. این کتاب دارای جملات عام و خاص، مطلق و مقید، محکم و متشابه و مجمل و مبین است. از این رو در آیاتی به‌طور خاص بر تقرب مذاهب اسلامی و روابط مسالمت‌آمیز آحاد مسلمانان تأکید شده و آیاتی به‌طور عام به روابط مسالمت‌آمیز مسلمانان با یکدیگر و حتی غیر مسلمانان توصیه می‌کنند. اگر توصیه شده که با غیر مسلمانان علاوه بر عدالت و دادگری، با نیکی و احسان رفتار کنند، به طریق اولویت دلالت دارند که رفتار مسلمانان با یکدیگر باید مسالمت‌آمیز و بر اساس اخوت دینی و رحمت و محبت باشد. در این تحقیق ابتدا توصیه‌های خاص، سپس توصیه‌های عام قرآنی ذکر می‌شوند.

۳-۱. توصیه‌های خاص

۳-۱-۱. اعتصام به حبل‌الله و نهی از تفرقه

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اُعدَاءً فَآلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ بِنِعْمَةِ إِخْوَانًا ... (آل‌عمران: ۱۰۳)؛

و همگی به ریسمان دین خدا چنگ زده، با هم تفرقه نداشته باشید و به یاد آورید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید و خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید ...

در این آیه، که از آیات مشهور و صریح در مسئله اندیشه تقریب مذاهب است، امر و نهی با هم ذکر شده‌اند تا تأکید کند که نعمت‌های مشترک الهی اهمیت فراوانی دارد و هر مسلمانی باید آنها را به یاد آورد. خداوند همه مسلمانان را به اعتصام به حبل‌الله فرامی‌خواند؛ اساس این اعتصام با «حبل‌الله»، یعنی شریعت الهی و کتاب آسمانی قرآن، فراهم می‌شود (سید قطب، ۱۳۸۷: ۲۵/۲). قرآن کریم حالت و موقعیت مسلمانان را در تمسک به کتاب الله تشبیه به کسانی کرده که در حال سقوط هستند و باید به این کتاب الهی همه باهم چنگ بزنند تا به مکان امن برسند. متولیان اندیشه تقریب باید این آیه را منبع و محور اصلی و مبنای قضاوت نظرات خود قرار دهند تا خود و جوامع دینی را از چالش‌ها و بحران‌های هر عصر نجات دهند.

۳-۱-۲. اصلاح بین برادران دینی

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰)؛

همانا مؤمنان برادر یکدیگرند، پس میان برادران خود اصلاح و از خدا پروا کنید، شاید مورد رحمت او قرار بگیرید.

قرآن در این آیه، که به‌صراحت همه مؤمنان را برادران دینی می‌داند، اولاً با کلمه **إِنَّمَا** تصریح می‌کند که رابطه مؤمنان بر اساس اخوت دینی است. ثانیاً اگر به هر نحوی بین آنان نزاع و فساد ایجاد شد، باید بین آنان صلح برقرار شود؛ چراکه اصل اولیه صیغه امر دلالت بر وجوب دارد، یعنی اگر دو گروه از مؤمنان در مقابل هم ایستادند، بر دیگران واجب است که میان برادران خود صلح برقرار کنند. ثالثاً کسانی که داوری می‌کنند آداب برادری را در مورد هر دو طایفه رعایت کنند. رابعاً در مقام خیرخواهی و موعظه به هر سه طایفه، یعنی دو گروه که با یکدیگر نزاع دارند و طایفه اصلاحگر، می‌فرماید: «از خدا بترسید، باشد که مشمول رحمت حق شوید».

این آیه نشانه مهم اندیشه تقریب مذاهب و همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان بر اساس اخوت دینی است. اخوت دینی از مفاهیم مهمی است که مورد تأکید و توجه



خاص پیامبر اکرم (ص) بود و بر اساس آن عقد اخوت را بین مسلمانان و مؤمنان برقرار کرد (خمینی، ۱۳۷۳: ۳۱۱). مؤمنان به برکت اسلام با یکدیگر برادر دینی شدند. مسلمانان دارای باورها، ارزش‌ها و اصول مشترک، مانند ایمان به خدای واحد، پیامبر واحد، کتاب واحد، نماز واحد، روزه واحد و قبله واحد هستند که بهترین محور اندیشه تقرب جهت مراقبت و حفظ امت واحده اسلامی به شمار می‌روند.

۳-۱-۳. اطاعت از منابع مشترک و حفظ عظمت مسلمانان

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ ... (انفال: ۴۶)؛

و خداوند و رسولش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که (در صورت نزاع و درگیری) شکست خواهید خورد و عزت شما از بین خواهد رفت ...

قرآن و سنت نبوی (ص) منابع اصلی و مشترک مورد قبول همه مذاهب اسلامی هستند. این آیه به راهکار عملی برای رعایت اخلاق تقرب مذاهب اشاره دارد. «فَتَفْشَلُوا» منصوب به «أن» مقدره و «ریح» به معنای عزت و دولت است که به استعاره برای غلبه آمده است؛ زیرا باد به هر چه بوزد آن را به حرکت درمی‌آورد و از جا می‌کند و غلبه دشمن نیز همین‌طور است (طباطبایی، ۱۳۲۹: ۹۵/۹). سید قطب درباره این آیه یادآوری می‌کند که «وَأَطِيعُوا» به صیغه فعل امری، همه را به اطاعت و فرمان‌برداری خدا و رسول دعوت می‌کند. در واقع قرآن گفته است اگر اطاعت خدا و رسول باشد، نزاع و اختلاف از میان می‌رود و از میان رفتن و بر باد رفتن شکوه و عظمت برای مسلمانان نخواهد بود (سید قطب، ۱۳۸۷: ۲۶/۴). از جمله رفتاری که در مسائل اختلافی در محافل تقرب مذاهب مطرح می‌شود و باید به‌عنوان اصل موضوعی رعایت شود، اطاعت و داوری آیات قرآن و سنت نبوی و همچنین حفظ عظمت و شکوه مسلمانان در جهان است.

۳-۱-۴. خیرخواهی و دعا برای برادران دینی

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (حشر: ۱۰)؛

پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده؛ پروردگارا، تو مهربان و رحیمی.

دعا و خیرخواهی مسلمانان برای یکدیگر رفتاری نیکو است. این آیه یک جمله انشائی نیست، بلکه خبری است در مورد کسانی که بعد از مهاجران و انصار آمدند و آنان برای برادران دینی خود چنین دعا کردند. این رفتار از نظر خداوند رفتاری نیکو است؛ چراکه اگر نیکو نبود و گزارش می‌شد، خداوند طریق صحیح آن را بیان می‌کرد. به هر حال، این جمله خبری اماره و به‌نوعی امر و توصیه به همه مسلمانان است که بهتر است خیرخواه یکدیگر باشند و برای یکدیگر طلب مغفرت کنند.

متولیان واقعی اندیشه تقریب مذاهب باید پیروان سایر مذاهب اسلامی را برادران دینی خود بدانند، چنانکه امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر یادآوری کرد: «الناس صنفان؛ اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق» (سید رضی، ۱۳۶۸: نامه ۵۳). تمام علمای شیعه که در عرصه تقریب قدم نهاده‌اند، به اخوت دینی مسلمانان اعتقاد دارند و طبق آیه فوق، نه تنها نسبت به پیروان سایر مذاهب حسد و کینه ندارند، بلکه برای همه مسلمانان دعا و طلب مغفرت می‌کنند؛ چراکه این رفتار اخلاقی توصیه قرآن به مسلمانان، به‌خصوص متولیان اندیشه تقریب مذاهب، است. این از جمله راهبردها و راهکارهایی است که همه مسلمانان را با واقعیت و حقایق دین آشنا می‌کند. این مسئله مهم، در صورت درک کارکرد آن، باید در سطح وسیع بین همه جوامع و مذاهب اسلامی تبلیغ و به صورت یک ارزش دینی تجلی پیدا کند.



۲-۳. آیات عام

۲-۳-۱. نیکو سخن گفتن با عموم مردم

«وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳)؛

و با مردم به نیکویی سخن بگویید.

لفظ حُسْنًا مصدر و به معنای صفتی است که برای مبالغه آمده است. حُسْنًا کنایه از معاشرت با انسان‌ها است، اعم از کافران و مؤمنان. گفتار خشن با گفتار محترمانه و معاشرت نیکو منافات دارد؛ مفسران گفته‌اند: «و هو کنایة عن حسن المعاشرة مع الناس، کافرهم و مؤمنهم و لا ینافی حکم القتال حتی تكون آية القتال ناسخة له لان مورد القتال غیر مورد المعاشرة...» (طباطبایی، ۱۳۲۹: ۲۱۹/۱). این جمله کنایه از خوش رفتاری و حسن معاشرت با مردم است و با توجه به تعبیر «ناس»، روشن است که مسلمانان مأمور به حسن معاشرت با همه مردم، اعم از مؤمن و کافر، هستند.

در آیه فوق خدا به بندگان خود امر کرده با هر کس که انسان است، مؤدبانه سخن بگویند. سخن خداوند هیچ قیدی مبنی بر اینکه مؤمن باشد یا کافر ندارد، بلکه انسان بودن کافی است تا با او مؤدبانه رفتار شود. بر این اساس، برای تحقق تقرب بین مذاهب اسلامی به طریق اولویت باید مؤدبانه سخن گفت: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (اسراء: ۵۳)؛ و به بندگانم بگو آنچه را بهتر است بگویند».

۲-۳-۲. آزادی عقیده

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (يونس: ۹۹)؛

اگر پروردگارت بخواهد، همه کسانی که روی زمینند ایمان خواهند آورد؛ آیا تو می‌توانی مردم را به‌اکراه وادار کنی که ایمان بیاورند؟

وجود اختلاف عقیدتی و مذهبی از واقعیت‌های جوامع بشری بوده است. این چالش به درون مکاتب نیز کشیده شده است و در طول تاریخ، فرقه‌هایی با مستمسک قرار دادن عقیده خود جنایت‌های بزرگی را مرتکب شده‌اند، در حالی که قرآن چالش عقیدتی را حل و مسلمانان را به سعه صدر و تحمل عقیده مخالفان دعوت کرده است. در آیه «لا اکراه فی الدین» (بقره: ۲۵۵)، لای نفی جنس و به معنای نفی جنس اکراه و اجبار در عقاید دینی است. این جمله انشا نیست، بلکه اخبار است از اینکه اعتقادات و ایمان از امور قلبی هستند و اجبار در آنها ممکن نیست. دعوت به تغییر عقیده را خداوند با حکمت، موعظه حسنه و مجادله احسن تجویز کرده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵). پیروان مذاهب اسلامی در کلیات دین با هم اختلاف ندارند و اگر به جهت اختلاف در استنباط، در مسائلی اختلاف نظر دارند، نباید موجب تفرقه بین آنان شود، بلکه می‌تواند تأمل و دقت و این سؤال را در پی داشته باشد که «کدام نظر حق و صادق و مطابق با واقع است؟» که می‌تواند به پژوهش درباره مسئله اختلافی و حصول علم بینجامد.

۳-۲-۳. رعایت عدالت در مورد همه انسان‌ها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده: ۸).

قرآن هدف از فرو فرستادن کتاب‌های آسمانی و آمدن پیامبران را فراهم کردن زمینه اجرای قسط و عدالت در جامعه می‌داند (حدید: ۵۷) و بدون محدود کردن اجرای قسط و عدل به موردی خاص، از مؤمنان می‌خواهد آن را در همه زمینه‌ها رعایت کنند. در این آیه نیز خداوند از مؤمنان می‌خواهد که حتی با دشمنان خویش به عدالت رفتار کنند و به آنان هشدار می‌دهد که مبدا دشمنی آنان شما را به گناه و ترک عدالت وادارد. رفتار عادلانه در مورد دشمن نیز مطلوب قرآن است و کفر مانع اجرای عدالت

مشروعیت رابطه تقرب مذاهب با حقایق دینی با استناد به قرآن / ۴۵

نمی‌شود؛ بنابراین وقتی رعایت قسط و عدل با دشمنان و غیرمسلمانان مطلوب خداوند است، رعایت آن با مسلمانان به طریق اولی مطلوب او است (انعام: ۲۱ و ۴۷؛ فرقان: ۳۷). هر کدام از این آیات می‌تواند کبرای مسئله تقرب و همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان باشد.

۳-۲-۴. کمک به یکدیگر در کارهای نیک

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى (مائده: ۲).

این آیه یک حکم اجتماعی است، نه فردی. قرآن کریم برّ و تقوا در حوزه تکلیف فردی را در سوره بقره آیه ۱۷۷ به‌طور مبسوط بیان کرده است و در این آیه از مجموع جامعه می‌خواهد که جامعه‌ای بر محور برّ و تقوا بسازند و یکدیگر را گرد همان محور کمک کنند. تحقق بستر تقرب مذاهب از مصادیق برّ و تقوا است؛ زیرا کمک به برادر دینی جهت رفع نیازهای معرفتی، انفاق علمی است؛ البته کسانی می‌توانند به نیاز معرفتی دیگران پاسخ دهند که علمشان به حد نصاب رسیده باشد. کسی که صفات فوق را نداشته باشد، نمی‌تواند معین و معاون معرفتی دیگران باشد. از جمله اهداف اندیشه تقرب که آن را مشروع می‌کند، تلاش عالمانه و عاقلانه برای عمل به رفتار نیک و تقوا است.

۳-۲-۵. کرامت انسانی و پرهیز از اهانت به باورهای دیگران

و لقد کرّمنا بنی آدم (اسراء: ۷۰)؛

و ما بنی آدم را گرامی داشتیم.

بر اساس اصل کرامت انسانی طبق استناد به این آیه، باورهای هر شخص بخشی از هویت او را شکل می‌دهد. همزیستی مسالمت‌آمیز و تقرب زمانی بین دو فرد یا دو گروه شکل می‌گیرد که به باورها و عقاید همدیگر توهین و اهانت نکنند؛ در صورت

اهانت به عقاید طرف مقابل ممکن است او نیز اهانت کند. علاقه انسان اقتضا می‌کند از آنچه به نظرش مقدس است، دفاع کند و با کسانی که به حریم مقدس وی تجاوز کرده‌اند به مقابله برخیزد. خداوند متعال مسلمانان را از اهانت به اعتقادات غیرمسلمانان نهی و یادآوری می‌کند که پیامد چنین کاری چیزی جز بی‌احترامی به اعتقادات مسلمانان نخواهد بود: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ... (انعام: ۱۰۸)؛ هیچ‌گاه بت‌ها و معبودهای مشرکان را دشنام ندهید، زیرا این عمل سبب می‌شود که آنان نیز به خداوند همین کار را از روی ظلم و ستم و جهل و نادانی انجام دهند؛ بنابراین به طریق اولی، پیروان مذاهب نباید به آیین‌ها و باورهای پیروان دیگر مذاهب اهانت کنند. این همان خط قرمزی است که همه مسلمانان باید به آن ملتزم باشند و حدود آن را رعایت کنند.

۳-۲-۶. برقراری صلح پایدار

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (انفال: ۶۱)؛

اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی و بر خدا توکل کن.

أَدْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً (بقره: ۲۰۸)؛

همگی در صلح و آشتی درآیید.

رهاورد آیات قرآن صلح جهانی و صلح پایدار است. حاصل این آیات و آیاتی که مسلمانان را به سه گونه همزیستی مسالمت‌آمیز توصیه و امر می‌کند، صلح پایدار در نظام بین‌الملل است: ۱. همزیستی مؤمنان با مؤمنان بر اساس برادری ایمانی: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) و جامع‌تر از آن: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل‌عمران: ۱۰۳)؛ ۲. همزیستی مؤمنان با اهل کتاب (مسیحیان و یهودیان) بر اساس اعتقاد به توحید و معاد: «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...» (آل‌عمران: ۶۴)؛ ۳. همزیستی مؤمنان با ملحدان و کافران بر مبنای وفای به پیمان و توصیه آیه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا»

مشروعیت رابطه تقرب مذاهب با حقایق دینی با استناد به قرآن / ۴۷

يَقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخَرِّجُوَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ اُنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا اِلَيْهِمْ اِنَّ اللّهَ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه: ۸). خداوند مسلمانان را از نیکوکاری و اجرای عدالت با کافرانی که با مسلمانان توطئه و بدرفتاری نکردند و در کشتار، تبعید و محاصره آنان دخالتی نداشتند، نهی نمی کند، بلکه در ضمن جمله «اِنَّ اللّهَ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» امر می کند که با آنان با قسط و عدل عمل شود. وقتی آیه رابطه جامعه اسلامی با جامعه الحادی را بر اساس قسط و عدل تبیین می کند، به طریق اولی باید رابطه مؤمنان با اهل کتاب و نیز با مؤمنان بر اساس قسط و عدل باشد.

آیه «عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِيْنَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَ اللّٰهُ قَدِيْرٌ وَ اللّٰهُ عَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ» (ممتحنه: ۷)؛ امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که (ایشان را) دشمن داشتید، دوستی برقرار کند و خدا توانا است و خدا آمرزنده و مهربان است» از نشانه‌های ضمنی بر صلح پایدار است. بر اساس این آیه، مسلمانان نباید روابط خود را حتی با دشمنانشان برای همیشه تیره کنند؛ چراکه شاید روزی آنان از عداوت خود با مسلمانان دست کشیدند و با مسلمانان دوست شدند.

۳-۲-۷. عفو و گذشت از حقوق شخصی

وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا اَلَا تُحِبُّوْنَ اَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَكُمْ (نور: ۲۲)؛

و باید عفو کنند و گذشت نمایند؛ مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد.

خُذِ الْعَفْوَ وَاْمُرْ بِالْعُرْفِ وَاَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِيْنَ (اعراف: ۱۹۹)؛

طریقه عفو و بخشش پیش گیر و امت را به نیکوکاری امر کن و از مردم نادان رو بگردان.

کلمه «خُذْ» در تفسیر به معنای ملازمت و ترک نکردن چیزی دانسته شده است؛ بنابراین معنای «بگیر عفو را» این است که همواره بدی‌های اشخاصی که به تو بدی می‌کنند را بپوشان و از حق انتقام که عقل اجتماعی برای بعضی بر بعضی دیگر تجویز

می‌کند، صرف نظر کن و هیچ وقت این رویه را ترک مکن. البته این چشم‌پوشی از بدی‌های دیگران و تزییع حق است، اما در مواردی که حق دیگران با اسائه به ایشان ضایع می‌شود، عقل عفو و اغماض را تجویز نمی‌کند؛ زیرا عفو در این‌گونه موارد واداشتن مردم به گناه و مستلزم این است که حق مردم به نحو شدیدتر تزییع و نوامیس حافظ اجتماع لغو و بی‌اثر شود. تمام آیات ناهیه از ظلم و افساد و کمک به ستمکاران و میل و خضوع در برابر ایشان، بلکه تمام آیاتی که متضمن اصول شرایع و قوانینند از چنین اغماضی جلوگیری می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۲۹: ۳۸/۸).

۳-۲-۸. احسان

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (نحل: ۹۰)؛

خداوند به عدالت و احسان فرمان داده است.

بر اساس آیات قرآن، احسان به مسلمانان مطلوب آفریدگار جهانیان است؛ البته در صورتی که شرایط احسان محقق شده باشد. احسان رفتاری فراتر از عدالت است؛ چراکه نیکویی به طرف مقابل است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «جماع التقوی فی قوله تعالی إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (عبدعلی جمعه، ۱۴۱۲: ۱۷۸/۳)؛ مجموعه تقوا و پرهیزکاری در این گفتار خدا است که می‌فرماید: خداوند به عدالت و احسان، فرمان می‌دهد».

۳-۲-۹. اقامه دین و نفی تفرقه

... شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ (شوری: ۱۳)؛

خداوند، شرع و آیینی که برای شما مسلمانان قرارداد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی، هم آن را سفارش کردیم که دین خدا را بر پادارید و هرگز



اختلاف و تفرقه در دین نکنید.

مسئله نفی تفرقه در دین اختصاص به امت اسلامی ندارد. خداوند همه پیامبران خود را توصیه کرده است که مواظب باشند در بین پیروان ادیان الهی تفرقه به وجود نیاید. آیات فوق نشانه آن است که امت اسلامی باید دین را اقامه کند و از تفرقه در آن پرهیزد. متولیان اندیشه تقرب باید کوشش مضاعف کنند که در گزاره‌های صدق و حق، که مطابق با واقعیات دین است و برایشان علم حاصل شده، اختلاف نکنند. منظور از دین مجموعه‌ای از اعتقادات (توحید، نبوت و معاد)، احکام (اصل عبادت و تعبد) و اخلاق (ارزش‌های و هنجار) است.

۳-۲-۱۰. پرهیز از مداهنه در امر دین

«وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فِیْئُدْهِنُونَ» (قلم: ۹)؛

دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی کنند.

سستی در امر دین رفتاری مذموم است. به گفته مفسران، کافران به پیامبر اکرم (ص) پیشنهاد کرده بودند که از تعرض به خدایان ایشان کوتاه بیاید و آنان را از شرک و بت پرستی نهی نکند و احیاناً با آنان موافقت کند تا در مقابل، آنان نیز به پروردگار حضرت متعرض نشوند (طباطبایی، ۱۳۲۹: ۲۹/۲۰).

بنابر حکم عقل، هر کسی اجازه دارد در حقوق شخصی خود برای مصلحت اقوی، سستی و بی‌توجهی کند؛ اما در حق الله چنین مجوزی ندارد. مداهنه در دین نوعی قربانی کردن حقیقت است. تقرب مذاهب نیز نباید سبب شود که حقیقت دین قربانی و به تقرب منتهی شود. قلمرو تقرب مذاهب نوعی همزیستی علمی بین متولیان مذاهب است که با رعایت عدالت، تحمل خردمندانه و عدم تعدی از حق الله تحقق‌پذیر است. تقرب مذاهب دارای حدود مشخص و نوعی برابری عقل و عدل است که قلمروش مقدمه‌ای برای ذی‌المقدمه است؛ بنابراین فی‌نفسه مطلوبیت ذاتی ندارد.

واعظزاده در مصاحبه‌ای با مجله *هفت آسمان*، تحت عنوان «چشم‌انداز تقریب مذاهب اسلامی»، ابتدا گفته: «مسئله تقریب مطوبیتی ذاتی دارد»، البته پس از آن در جایی دیگر نظر خود را اصلاح کرده و آن را مقدمه‌ای برای ذی‌المقدمه دانسته است (ر.ک: واعظزاده، ۱۳۸۰: ۹/ ۴۸-۴۹).

در تقریب مذاهب باید مراقب بود که این اندیشه به تساهل به سبک لیبرالیسم اعتقادی یا پلورالیسم و در نتیجه، به ترک امر به معروف و نهی از منکر منتهی نشود. متولیان تقریب به طریق اولی باید حافظ اصل و حقیقت دین از خطر مداهنه باشند.

نتیجه

مشروعیت اندیشه تقریب فقط مبتنی بر عمل به توصیه قرآن کریم است. هر یک از آیات قرآن کریم می‌تواند کبرای قضیه یک نوع رفتار مسالمت‌آمیز قرار گیرد. برخی از متولیان مذاهب اسلامی بر برخی از آیین‌های اعتباری مذهبی که وجه تمایز مذاهبشان با سایر مذاهب است اصرار بسیار دارند. این موارد مانع پیشرفت اندیشه تقریب مذاهب اسلامی است. به نظر می‌رسد در نگاه توحیدی، اگرچه آیین‌های اعتباری مذاهب از جهتی هویت‌بخشند، رسالت دین اسلام محدود به آیین‌های اعتباری نیست، بلکه از منابع اصلی دین درک می‌شود که توجه اسلام به معانی و حقایق دین و لایه‌های بالاتر از امور اعتباری است. بنابراین پیروان مذاهب اسلامی نباید اسیر هویت‌های برخی آیین‌ها و مسلک‌های مذهبی خود شوند؛ چراکه ممکن است موجب تفرقه و فاصله آنان از توحید شود. بر این اساس، برخی آیین‌های اعتباری مذاهب باید مورد تجدیدنظر قرار گیرند.

اندیشه تقریب مذاهب یک راهکار حقیقت‌یاب معرفتی در دین است که اهمیت وجودش جهت افزایش تحمل متولیان و کشف حقایق دین در عصر حاضر ضروری است؛ به همین سبب متولیان اندیشه تقریب باید جهت تحقق امور ذیل گام بردارند:

۱. جهت اقامه دین و پرهیز از تفرقه بین پیروان مذاهب اسلامی همزیستی مسالمت‌آمیز بر اساس اخوت دینی ایجاد کنند؛

مشروعیت رابطه تقریب مذاهب با حقایق دینی با استناد به قرآن / ۵۱

۲. کشف حقایق و درک واقعیات دینی را معیار و هدف اصلی خود قرار دهند؛ چرا که به هیچ وجه ظن و گمان انسان را از حقیقت بی‌نیاز نمی‌کند؛
۳. به خردورزی در خصوص گزاره‌های دینی توجه مضاعف داشته باشند؛
۴. صبر و تحمل نظرات مخالف را لزوماً نه با نفرت، بلکه با رحمت سرلوحه رفتار اجتماعی خود قرار دهند؛
۵. رحمت، محبت و مروت با خطاکار را رعایت کنند؛ چراکه در آیین انسانیت، به کسی که گرفتار خطا شود محبت می‌ورزند تا آگاه شود.

منابع

- آقائوری، علی (۱۳۸۷)، *امامان شیعه و وحدت اسلامی*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *تفسیر تسنیم*، جلد ۱۳، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *تفسیر تسنیم*، جلسه درس تفسیر سوره مائده، قم: انتشارات اسراء.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، *حدیث ولایت*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، زیر نظر جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۳)، *المفردات*، تهران: دفتر نشر کتاب.
- رستگار جویباری، یعسوب‌الدین (۱۴۲۴ق)، *حقیقت وحدت در دین و حکمت عید الزهراء علیهاالسلام*، قم: نشر مؤلف.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱)، *اطلس شیعه*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۶۸)، *نهج البلاغه*، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.
- سعدی، ابومحمد بن عبدالله (۱۳۸۹)، *بوستان سعدی*، نشر خوارزمی.
- سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی (۱۳۸۷)، *تفسیر فی ظلال القرآن*، مترجم مصطفی خرم‌دل، انتشارات: احسان.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۲۹)، *تفسیر المیزان*، قم: انتشارات اسماعیلیان.

۵۲ / پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، سال ششم، شماره دوازدهم

عبدعلی جمعه عروسی حویزی (۱۴۱۲ق)، نورالتقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.

عرب، محمد (۱۳۷۷ش)، آشنایی با مذهب اباضی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

القفقاری، ناصر (۱۴۱۲)، مسئله التقرب بین اهل السنه و الشیعہ، ریاض: دارطیبه.

النمر، عبدالمنعم (۱۹۸۸م)، المؤتمر علی الكعبة من القرامطة الی الخمينی، قاهره: انتشارات مكتبة التراث الاسلامی.

واعظ‌زاده خراسانی، محمد (۱۳۶۴ش)، ندای وحدت، بی‌جا: انتشارات مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی.

واعظ‌زاده خراسانی، محمد (۱۳۸۰)، «مصاحبه با واعظ زاده»، فصلنامه تخصصی هفت‌آسمان، شماره ۹، دانشگاه ادیان و مذاهب.



References

- Aqanuri, 'Ali. 2008. *Imaman-i Shi'ih va Vahdat-i Islami* (The Shiite Imams and Islamic Unity). Qom: Publications of the University of Religions and Denominations. [In Persian]
- Javadi Amuli, 'Abd Allah. 2008. *Tafsir-i Tasnim* (Tasnim Exegesis of the Qur'an). Vol. 13. Qom: Isra Publications. [In Persian]
- Javadi Amuli, 'Abd Allah. 2012. *Tafsir-i Tasnim* (Tasnim Exegesis of the Qur'an), Exegesis of Sura al-Ma'ida. Qom: Isra Publications. [In Persian]
- Husayni Khamenei, Sayyed Ali. 2011. *Hadith-i Vilayat* (Talk about Guardianship). Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islami. [In Persian]
- Khomeini, Ruhollah. 1994. *Sharh-i Chihil Hadith* (Elaboration of the Forty Hadiths). Tehran: Institute for Compilation and Publication of the Work of Imam Khomeini. Fifth edition. [In Persian]
- Dihkhuda, 'Ali Akbar. 1998. *Lughatnami-yi Dihkhuda* (Dihkhuda Dictionary). Supervised by Ja'far Shahidi. Tehran: University of Tehran Institute of Publications and Printing. [In Persian]
- Raghib Isfahani, Husayn ibn Muhammad. 1984. *Al-Mufradat* (Single Words). Tehran: Daftar-i Nashr-i Kitab. [In Arabic]
- Rastgar Juybari, Ya'sub al-Din. 2003. *Haqiqat-i Vahdat dar Din va Hikmat-i 'Id al-Zahra'* (The Truth of Unity in Religion and the Wisdom behind al-Zahra Celebrations). Qom: Nashr-i Mu'allif. [In Persian]
- Ja'fariyan, Rasul. 2012. *Atlas-i Shi'ih* (Atlas of the Shi'a). Tehran: Publications of National Geographical Organization of Iran. [In Persian]
- Sayyid al-Radiyy, Muhammad ibn al-Husayn. 1989. *Nahj al-Balagha* (The Way of Eloquence). Translated into Persian by Sayyid 'Ali Naqi Fayz al-Islam, Tehran: Faqih Organization of Printing and Publishing. [In Persian]
- Sa'di, Abu Muhammad ibn 'Abd Allah. 2010. *Bustan* (The Orchard). Tehran: Kharazmi Publications. [In Persian]
- Sayyid Qutb, Ibrahim Husayn al-Sharibi. 2008. *Tafsir Fi Zilal al-Qur'an* (Qur'anic Exegesis: Under the Shade of the Qur'an). Translated by Mustafa Khurramdil. Tehran: Ihsan Publications. [In Persian]
- Tabataba'i, Sayyid Muhammad Husayn. 1950. *Al-Mizan* (The Balance). Qom: Isma'iliyan Publications. [In Arabic]
- 'Abd 'Ali Jumu'a 'Arusi Huwayzi. 1991. *Nur al-Thaqalayn* (The Light of the Two Weighty Things). Qom: Isma'iliyan Publications. [In Arabic]

- ‘Arab, Muhammad. 1998. *Ashnayi ba Mazhab-i Ibadi* (Introduction to the Ibadi Denomination). Tehran: ‘Ilmi va Farhangi Publications. [In Persian]
- Qafari, Nasir. 1991. *Mas’alat al-Taqrīb bayn Ahl al-Sunna wa-l-Shi’a* (The Problem of Approximation between Sunnis and The Shi’a). Riyadh: Dar Tayyiba. [In Arabic]
- Al-Nimr, ‘Abd al-Mun‘im. 1998. *Al-Mu’amara ‘ala al-Ka’ba min al-Qaramita ila al-Khomeini* (Conspiracy against the Kaaba from Qarmatians to Khomeini). Cairo: Publications of Maktabat al-Turath al-Islami. [In Arabic]
- Va‘iz Zadih Khurasani, Muhammad. 1985. *Nida-yi Vahdat* (The Voice of Unity). Tehran: Publications of the World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought. [In Persian]
- Va‘iz Zadih Khurasani, Muhammad. 2001. “Musahibih ba Va‘iz Zadih” (Interview with Va‘iz Zadih). Specialized Quarterly of *Haft Asiman* (The Seven Skies), no. 9. Qom: University of Religions and Denominations. [In Persian]